

بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: شهر جدید پردیس)

ناصر براتی*

محمد رضا یزدان پناه شاه‌آبادی**

چکیده

سرمایه اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید در حوزه علوم اجتماعی است که به سرعت جایگاه خود را در حوزه‌های دیگری چون پزشکی، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، برنامه‌ریزی شهری، و ... پیدا کرده است. این مفهوم، به‌خصوص، در ارتباط تنگاتنگی با کیفیت زندگی قرار دارد. این ارتباط می‌تواند دروازه ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به برنامه‌ریزی شهری باشد. موضوع اساسی، در این زمینه، نحوه سنجش سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر و به‌خصوص سطح محلات شهری است. در این پژوهش بر آنیم تا با ارائه روشی به اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی و همچنین میزان کیفیت زندگی شهروندان، البته از بعد ذهنی، بپردازیم و ارتباط این مفاهیم را بررسی نماییم. به این منظور، شهر جدید پردیس، به‌عنوان نمونه مورد مطالعه، انتخاب شده است. نتایج کلی بررسی، که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده، نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار و قابل قبول این دو مفهوم در سطح شهر پردیس است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، سنجش سرمایه اجتماعی، کیفیت ذهنی زندگی، سنجش کیفیت ذهنی زندگی.

* استاد شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین naserbarati2006@yahoo.com

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول)
myazdan65@gmail.com

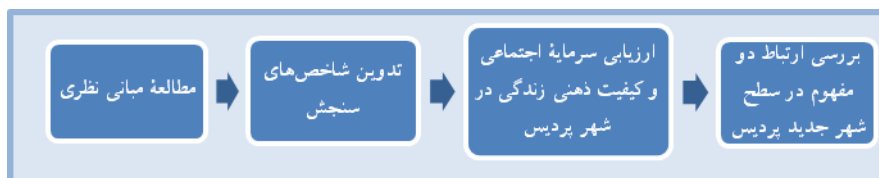
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۲۷

۱. مقدمه

سال‌ها تجربه برنامه‌ریزی شهری در جهان نشان داده است که در این حوزه نیز انسان و منابع انسانی حتی بیش از منابع مالی اهمیت و ارزش دارند؛ تا آن‌جا که بی‌توجهی به این امر سطح بالای دستاوردهای ارتقای محیط زیست انسانی را غیر ممکن می‌سازد. بنابراین، موضوع سرمایه اجتماعی، با رویکردی کمی و قابل اندازه‌گیری نسبت به مسائل اجتماعی و روابط درون جامعه، در مباحث برنامه‌ریزی، و از جمله در برنامه‌ریزی شهری، وارد شده است. از سوی دیگر، پیوسته بعد جدیدی از تأثیر این مفهوم بر مفاهیم دیگر کشف و ثبت می‌شود. در زمینه برنامه‌ریزی شهری، تأثیر این مفهوم بر کیفیت زندگی شهری و کیفیت محیط شهری، چه به لحاظ ذهنی (به سبب تأثیرات فردی و روانی سرمایه اجتماعی) و چه به لحاظ عینی (به سبب تسهیل در فرایند شکل‌دهی به محیط اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی شهر)، در پژوهش‌های مختلف بررسی شده و به اثبات رسیده است.

ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به برنامه‌ریزی شهری منوط به درک نحوه تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف برنامه‌ریزی شهری و به‌طور کلی شهر است. برای این منظور در این تحقیق می‌خواهیم تأثیر سرمایه اجتماعی را بر کیفیت زندگی، که یکی از مفاهیم کاربردی در ارزیابی و هدف‌گذاری طرح‌های شهری است، بررسی می‌کنیم.

در راستای این امر، تدوین شاخص‌ها و فرایند سنجش این دو مفهوم (سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی) قسمت اساسی و مهم این تحقیق است. پس از تدوین شاخص‌ها، با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و انتخاب حجم نمونه مناسب، به ارزیابی کیفیت زندگی (البته از بعد ذهنی) و سرمایه اجتماعی در شهر پردیس پرداخته‌ایم. علت انتخاب شهر پردیس به عنوان نمونه مورد مطالعه، وجود چالش‌های متعدد در شهرهای جدید از دید برنامه‌ریزی، به خصوص مسائل اجتماعی موجود در این شهرهاست. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه به میزان مورد نظر (که در این تحقیق، با توجه به جمعیت شهر پردیس، براساس جدول مورگان، برابر ۳۸۱ مورد است)، به ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت ذهنی زندگی در شهر پرداخته و، در نهایت، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون میزان ارتباط و همبستگی این دو مفهوم را در سطح جامعه آماری (و با تعمیم نتایج در سطح شهر) بررسی کرده‌ایم. بر این اساس، فرایند انجام این تحقیق را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:



نمودار ۱. فرایند کلی پژوهش

منبع: نگارنده

بدین ترتیب فرضیه زیر برای این تحقیق قابل تصور و بررسی است:
بین میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت ذهنی زندگی شهری شهروندان در شهر جدید پردیس ارتباط معناداری وجود دارد.

۲. مبانی نظری

در این بخش به بررسی ادبیات پژوهش در ارتباط با دو مفهوم سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی خواهیم پرداخت.

۱.۲ سرمایه اجتماعی

انسان به‌طور ذاتی در طول تاریخ حیات خود در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و، هر چه در طول زمان به جلو رفته، دریافته است که این روابط متقابل می‌تواند سبب تأمین بهتر این نیازها گردد؛ در نتیجه، این کنش‌های متقابل ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند. اثرهای این کنش‌های متقابل تا حدی است که حذف آن‌ها زندگی را غیر ممکن می‌سازد. در این میان، دانشمندان علوم اجتماعی، با نگرشی کنجکاوانه، در جوامع به شناسایی کنش‌ها پرداخته‌اند و به مجموعه عواملی پی برده‌اند که به‌وسیله آن‌ها طیف وسیعی از فرایندهای اجتماعی قابل تبیین و تحلیل است و این عوامل را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. واژه سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی چون اعتماد، همکاری، و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهد و آن‌ها را به‌سوی دست‌یابی به هدفی هدایت می‌نماید.

واژه و روح سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی در علوم اجتماعی دارد، ولی سابقه این اصطلاح، به‌معنای امروزی، به ۸۰ سال پیش و نوشته لیدا جی. هانیفان (Hanifan)، سرپرست

وقت مدارس ویرجینیای غربی در امریکا، باز می‌گردد. او در توضیح اهمیت مشارکت در تقویت حاصل کار مدارس مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرده است و در وصف آن می‌گوید: چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد؛ حسن نیت، رفاقت، همدلی، و معاشرت اجتماعی در این افراد و خانواده‌ها که سازنده واحد اجتماعی‌اند. اگر کسی با همسایه‌اش و همسایه‌اش با همسایگانش تماس داشته باشد، حجمی از سرمایه اجتماعی انباشته خواهد شد که ممکن است بلافاصله نیازهای اجتماعی را برآورده سازد و شاید حاصل ظرفیت بالقوه‌ای باشد که برای بهبود اساسی شرایط زندگی کل اجتماع کفایت کند. بعد از هانیفان، اندیشه سرمایه اجتماعی تا چند دهه ناپدید شد، ولی در دهه ۱۹۵۰ گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی و در دهه ۱۹۶۰ یک نظریه پرداز، به نام هومانس (Humans)، و یک استاد مسائل شهری، به نام جین جیکوبز (Jacobz)^۱، و در دهه ۱۹۷۰ اقتصاددانی، به نام لورلی (Lorly)، آن را دوباره احیا کردند (تاجبخش، ۱۳۸۵، به نقل از ولکاک و نارایان).

۱.۱.۲ تعاریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده است. به منظور تبیین فضای مفهومی این اصطلاح از واژگان و تعابیر گوناگونی چون انرژی اجتماعی (social energy)، روح اجتماعی (community spirit)، زندگی محلی (community life)، چسب اجتماعی (social glue) و ... استفاده شده است.

بورديو (Burdieu) موقعیت‌ها و روابطی را که، در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امکان دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی، و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌داند (خزاعی و برغم‌دی، ۱۳۸۵). «از نظر بورديو سرمایه اجتماعی دو مؤلفه دارد: اول، منبعی است که ارتباط با آن از طریق عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود؛ و دوم، حجم سرمایه اجتماعی که به تملک یک کارگزار انسانی درمی‌آید به اندازه‌ای از شبکه ارتباطاتی است که او می‌تواند بسیج کند» (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵).

کلمن (Coleman) بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی چیزی واحد نیست، بلکه چیزهایی گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند: اول این که همه آن‌ها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند؛ و دوم، کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختارند تسهیل می‌کنند (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵).

پاتنام (Putnam) سرمایه اجتماعی را این چنین تعریف می‌کند: ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها، و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند (فتیحی نیا و حاج محمدیاری، ۱۳۸۶: ۲۰۰).

در نگاه بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط، و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند. سرمایه اجتماعی صرفاً مجموعه‌ای از نهادهای یک جامعه نیست، بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (بانک جهانی، ۱۹۹۹، نقل از وب‌سایت رسمی بانک جهانی، <http://www.worldbank.org/>).

فوکویاما (Fukuyama) سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند:

شکل و نمونه‌ای از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند از هنجارهای روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را دربر گیرند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۲).

در مقیاس محله‌ای، سرمایه اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محله‌ای است که از طریق میزان بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک، تعهدات و التزامات و تعلقات مشترک، شبکه‌های رسمی و غیر رسمی، و کانال‌های مؤثر اطلاعاتی پدید می‌آید. از این سرمایه ممکن است افراد و گروه‌ها، برای آسان‌نمودن فعالیت‌ها به‌منظور منفعت‌رساندن به افراد و گروه‌ها و اجتماع، استفاده کنند (Kay, 2005: 162).

در یک نگاه کلی، سرمایه اجتماعی عبارت است از ظرفیتی اجتماعی که هماهنگی و همکاری را در گروه و جامعه تسهیل می‌کند. در ضمن می‌توان سرمایه اجتماعی را مفهومی مرکب، که دارای ساختار، محتوا، و کارکرد است، تلقی نمود. در این راستا، ساختار سرمایه اجتماعی همان شبکه ارتباطات اجتماعی، محتوای آن اعتماد و هنجارهای اجتماعی، کارکرد آن عمل متقابل اجتماعی، و نتیجه آن در جامعه و اقتصاد همکاری و هماهنگی است.

۲.۱.۲ دیدگاه‌ها درباره سرمایه اجتماعی

این دیدگاه‌ها را می‌توان در چهار عنوان زیر تقسیم‌بندی کرد:

دیدگاه اجتماع‌گرایی: در دیدگاه اجتماع‌گرایی، سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها، و گروه‌های مدنی برابر انگاشته می‌شود. اجتماع‌گرایان، که نگاهشان

به تعداد و فشردگی این گروه‌ها در اجتماع معطوف است، بر این عقیده‌اند که سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و مقدار بیشتر آن بر اجتماع اثر مثبت دارد (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۱۴).

دیدگاه شبکه‌ای: در این دیدگاه، سعی می‌شود هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود؛ همچنین بر اهمیت پیوندهای عمودی و افقی بین مردم و روابط درونی و فی مابین این قبیل هویت‌های سازمانی، به‌عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها، تأکید شود. در این الگو، پیوندهای نیرومند درون اجتماعی به خانواده‌ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می‌دهد، ولی پیوندهای قوی افقی، بدون پیوندهای ضعیف اجتماعی، از قبیل پیوندهایی که شکاف‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، طبقه، قومیت، جنسیت، و شئون که موقعیت اجتماعی و اقتصادی را می‌نوردند، ممکن است مبنایی برای پی‌جویی منافع فرقه‌ای در آیند (همان: ۱۵).

دیدگاه نهادی: این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی، و نهادی است. استدلال طرفداران این رویکرد آن است که خود ظرفیت گروه‌ها، برای عمل کردن به‌خاطر نفع جمعی، به کیفیت نهادهای رسمی‌ای وابسته است که تحت تأثیر آن قرار دارند (همان).

دیدگاه همیاری: این دیدگاه می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در هم ادغام کند. مؤثرترین بخش پژوهش‌های طرفداران دیدگاه همیاری در یکی از ویژه‌نامه‌های توسعه بانک جهانی به ثبت رسیده است. از این مطالعات سه نتیجه کلی حاصل شد: اولاً، دولت‌ها و جوامع هیچ‌کدام به‌طور ذاتی خوب یا بد نیستند. تأثیری که دولت‌ها، شرکت‌ها، و گروه‌های مدنی بر تحقق اهداف جمعی می‌گذارند متغیر است؛ ثانیاً، دولت‌ها، بنگاه‌ها، و اجتماعات به‌تنهایی منابع لازم را برای ترویج توسعه گسترده و پایدار ندارند و لازم است هم درون و هم در ورای این بخش‌ها عوامل مکمل مشارکت شکل بگیرند؛ و در نهایت این‌که در بین این بخش‌های مختلف نقش دولت در تسهیل نتایج مثبت توسعه‌ای از همه مهم‌تر و مسئله‌دارتر است (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۷).

۳.۱.۲ ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

در یک دسته‌بندی کلی سرمایه اجتماعی به سه بعد ساختاری، شناختی، و ارتباطی تقسیم می‌شود که هر یک از این ابعاد کلی خود شامل شاخص‌های گوناگونی است.

بعد ساختاری: این بعد از سرمایه اجتماعی بیشتر ناظر بر روابط موجود و میزان و شکل

این روابط است که، در واقع، نمود عینی سرمایه اجتماعی در جامعه است. باید توجه داشت در سنجش سرمایه اجتماعی معمولاً این بعد در مرکز توجه قرار دارد. این بعد از سرمایه اجتماعی شامل متغیرهای زیر است:

۱. پیوندهای موجود در شبکه، شامل وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه؛
۲. شکل و ترکیب شبکه، شامل سلسله‌مراتب شبکه، میزان ارتباط‌پذیری و تراکم شبکه؛
۳. تناسب سازمانی، تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای هدفی خاص ممکن است برای اهداف دیگر استفاده شود.

بعد شناختی: این بعد بیشتر متناظر با اشتراکاتی است که کنشگران اجتماعی از طریق آن‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این بعد را می‌توان زبان مشترک ناشی از شناخت متقابل نیز نام نهاد که شامل ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، و پنداشت‌های اجتماعی است؛ پنداشت‌هایی که زمینه را برای تعاون و همکاری اجتماعی فراهم می‌سازند و شامل دو دسته کلی اند:

۱. زبان و علائم مشترک، شامل اشتراکاتی که به سبب موقعیت مکانی، قومی، نژادی و از این قبیل حاصل می‌شوند؛
۲. روایت‌های مشترک، مانند اشتراکات فرهنگی، عرف‌های جاری در جامعه و ...

بعد ارتباطی: این بعد ناظر بر متغیرهایی است که بدون وجود آن‌ها کنشگران اجتماعی با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار نمی‌کنند. در واقع، این متغیرها شرط لازمی برای برقراری کنش اجتماعی و در نتیجه کسب سرمایه اجتماعی برای کنشگر است. این بعد شامل این متغیرهاست: اعتماد، هنجار، تعهدات و روابط متقابل، تعیین هویت مشترک (موسوی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۹).

۴.۱.۲ سنجش سرمایه اجتماعی در محیط شهری

در مقایسه با سایر شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی کمتر قابل لمس و، در نتیجه، اندازه‌گیری آن سخت‌تر است. یکی از بزرگ‌ترین کاستی‌های سرمایه اجتماعی، فقدان اتفاق نظر در سنجش و اندازه‌گیری آن است. در این باره، دست‌کم دو رویکرد اجمالی اتخاذ شده است. رویکرد نخست آن است که گروه‌ها و اعضای آن‌ها را در جامعه مفروض سرشماری می‌کنند (مشاهده مستقیم) و، در رویکرد دوم، داده‌های مربوط به سطوح اعتماد، تعهد، و دخالت مدنی بررسی می‌شوند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

پاتنام سه شاخص آگاهی، مشارکت، و نهادهای مدنی را شاخص‌های اصلی برای سنجش سرمایه اجتماعی می‌داند (خزاعی و برغمندی، ۱۳۸۵: ۲۳).

اینگلهارت (Engelhart) در پیمایش ارزش‌های جهانی از شاخص‌های اعتماد برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده کرده است (همان).

فوکویاما معتقد است سنجش سرمایه اجتماعی به دلیل بعد کیفیتی آن مشکل است. به نظر، او به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، به مثابه ارزشی مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود برخی از پدیده‌های اجتماعی، از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و شکایت، خودکشی، فرار از مالیات، و موارد مشابه، با روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۰).

به منظور ارزیابی سرمایه اجتماعی، اونیکس (Onyx) و بولن (Bullen) پرسش‌نامه‌ای برای ایالت نیوساوت‌ولز استرالیا تهیه و در آن ۸ عامل بنیادین تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی را برای هر فرد، مجزا از دیگران، استخراج کرده‌اند، که عبارت‌اند از: ۱. مشارکت در اجتماع محلی، ۲. فعالیت در متن اجتماع، ۳. احساس اعتماد و امنیت، ۴. ارتباطات همسایگی، ۵. مرادوات و رابطه با دوستان و فمیل، ۶. مدارا کردن با تنوع، ۷. ارزش زندگی، و ۸. روابط و پیوند کاری (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۵۲۰، به نقل از کریشنا).

بانک جهانی نیز در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی» ۶ شاخص را معرفی کرده است که عبارت‌اند از: ۱. گروه‌ها و شبکه‌ها، ۲. اعتماد و همکاری، ۳. فعالیت‌های جمعی، ۴. اطلاعات و ارتباطات، ۵. همبستگی (شمول)، و ۶. توانمندسازی فعالیت (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۱).

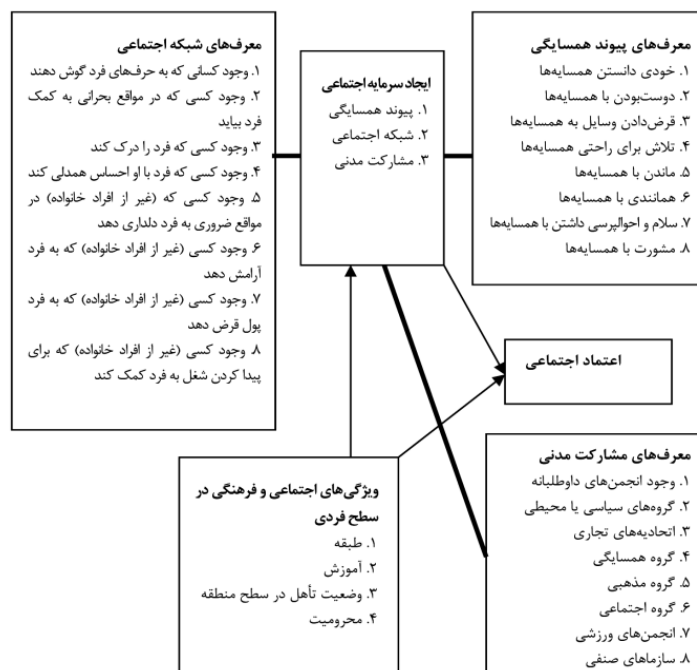
جدول ۱. شاخص‌های برگرفته از سنجش سرمایه اجتماعی

نظریه پرداز	شاخص‌های سرمایه اجتماعی
پاتنام	آگاهی، مشارکت، و نهادهای مدنی (Field, 2003: 124).
انگلهارت	اعتماد: از این شاخص در پیمایش ارزش‌های جهانی (world values survey) استفاده شده است. قابل ذکر است که، به نظر فیلد، اعتماد بعدی از سرمایه اجتماعی نیست، بلکه حاصل سرمایه اجتماعی است و راهی فرعی برای سنجش سرمایه اجتماعی، نه یک شاخص جامع (Field, 2003: 125).
اونیکس و بولن	مشارکت در اجتماعی محلی، کنشگرایی در موقعیتی اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بهادادن به زندگی، پیوندهای کاری، پیوندهای دولتی و خانوادگی (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۱).
فوکویاما	میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و دادخواهی، خودکشی و ... (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۰).

لی، پیکلز، و ساویچ	پیوند همسایگی، شبکه اجتماعی، مشارکت مدنی؛ که این ابعاد در ارتباط با اعتماد بررسی می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰۲).
بانک جهانی	گروه‌ها و شبکه‌ها، اعتماد و همکاری، فعالیت‌های جمعی، اطلاعات و ارتباطات، همبستگی (شمول)، توانمندسازی فعالیت (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۱).

منبع: اقتباس از منابع گوناگون

در این پژوهش، با استفاده از الگوی لی (Lei)، پیکلز (Pickles)، و ساویچ (Savic)، به ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح شهر پردیس پرداخته می‌شود. علت استفاده از این الگو توجه قابل ملاحظه آن به اجتماعات محلی است. هر چند سطح تحلیل ما در این پژوهش شهر است، لیکن سرمایه اجتماعی، به‌خصوص در سطح فردی، در عرصه اجتماعات محلی شکل گرفته و در این عرصه قابل لمس است. شکل کلی این مدل در نمودار ۲ قابل مشاهده است. در این الگو شاخص‌ها و گویه‌های مورد نظر ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تأثیر عرصه تحلیل، یعنی اجتماع محلی، در نوع‌گزینش سنجه‌های پژوهش مشهود است.



نمودار ۲. مدل تحلیل سرمایه اجتماعی ارائه‌شده توسط لی، پیکلز، و ساویچ

منبع: موسوی، ۱۳۸۵: ۵۷، به نقل از لی، پیکلز و ساویچ، ۲۰۰۳

۲.۲ کیفیت زندگی

کیفیت زندگی سازه‌ای است که از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه نظریه‌پردازان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و مطالعات توسعه، و مدیران و کارگزاران سیاست اجتماعی قرار گرفته است. این توجه تحت تأثیر پیامدهای منفی حاصل از فرایند صنعتی شدن، سیاست‌های متمرکز بر رشد اقتصادی، و تحول رویکردهای نظری و سیاست‌های عملی توسعه بوده است.

با وجود این، باید گفت کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست. ریشه تاریخی استفاده از این عبارت را می‌توان در آثار کلاسیک ارسطو یافت. وی از رابطه بین کیفیت زندگی هنگام شادی و ارزش‌های ذهنی افراد سخن می‌گوید (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۵).

۱.۲.۲ تعاریف مربوط به کیفیت زندگی

نوشته‌های مربوط به کیفیت زندگی نشان می‌دهد که در خصوص سازه کیفیت زندگی با تعدد تعاریف مواجه‌ایم. این امر می‌تواند ناشی از سه عامل مختلف باشد: یکی چندبعدی بودن این سازه؛ دیگری کاربرد آن در حوزه‌های حرفه‌ای متفاوتی چون پزشکی، روان‌شناسی، جغرافیای انسانی، مطالعات توسعه، اقتصاد، جامعه‌شناسی؛ و، در نهایت، سطح تحلیل که می‌تواند مربوط به عواملان، فرایندها، موقعیت‌ها، و یا ساختارها باشد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۳).

به تعبیر بالدوین، سازه کیفیت زندگی تا اندازه‌ای مبهم است. از یک سو، کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران زندگی فرد مطرح می‌شود و، از بعدی کلی‌تر، کیفیت موقعیت‌های زندگی حول یک عامل؛ شامل موقعیت‌هایی نظیر محیط پیرامونی یا فرهنگ در یک جامعه معین است. از منظری دیگر می‌توان کیفیت زندگی را در دو سطح خرد (فردی - ذهنی) و کلان (اجتماعی - عینی) تعریف کرد. سطح خرد شامل شاخص‌هایی نظیر ادراکات کیفیت زندگی، تجارب و ارزش‌های فرد، و معرف‌های مرتبط مانند رفاه، خوشبختی، و رضایت از زندگی است و سطح کلان شامل درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش، و سایر شرایط زندگی و محیط است. در رویکردی عملی، کیفیت زندگی مفهومی کلی تعریف می‌شود که تمام ابعاد زیستی شامل رضایت مادی، نیازهای حیاتی، به‌علاوه جنبه‌های انتقالی زندگی نظیر توسعه فردی، خودشناسی، و بهداشت اکوسیستم را پوشش می‌دهد (Baldwin et al., 1994).

لیو سه رویکرد را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی ارائه می‌دهد: ۱. تعریف کیفیت

زندگی براساس عناصر تشکیل‌دهنده آن، مانند شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و...؛ ۲. تعریف کیفیت زندگی از طریق به‌کارگیری شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی مانند تولید ناخالص داخلی، بهداشت، شاخص رفاه، شاخص آموزش؛ ۳. تعریف کیفیت زندگی براساس تعیین متغیرها یا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در آن سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود (Liu, 1976).

برخی از محققان بر «رضایت از زندگی» (life satisfaction) به‌عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی تأکید می‌کنند و چهار نوع رضایت از زندگی را برمی‌شمارند:

۱. رضایت ناشی از داشتن (having) که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات است.
۲. رضایت ناشی از ارتباط (relation) که معطوف به روابط اجتماعی است.
۳. رضایت ناشی از بودن (being) که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل ازخودبیگانگی دارد.

۴. رضایت ناشی از اقدام و عمل (action) که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار در قالب اوقات فراغت می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۴).

کاتر (Cutter) نیز کیفیت زندگی را به‌مثابه رضایت فرد از زندگی و محیط پیرامون تعریف می‌کند که نیازها، خواستها، ترجیحات سبک زندگی، و سایر عوامل ملموس و غیر ملموسی را که بر بهزیستی همه‌جانبه فرد تأثیر دارند دربر می‌گیرد (همان: ۵).

به نظر مالمن (Mallman) کیفیت زندگی مفهومی ناظر بر افراد است و همچون انتظارات از طریق تعامل پویای بین فرد مفروض، جامعه، و محل سکونت او تعیین می‌شود (همان). در نظر دیوان (Diwan)، کیفیت زندگی به‌عنوان حالتی در نظر گرفته می‌شود که فرد در آن نسبت به خود، طبیعت، و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند احساس آرامش درونی دارد. (Diwan, 2000: 315). او دو عامل را در ایجاد این حالت مؤثر می‌داند: یکی داشتن هدف در زندگی؛ و دیگری برخورداری از روابط مناسب با دیگران. در این مورد او می‌گوید «رابطه» عمده‌ترین منبع ثروت آدمی محسوب می‌شود. علاوه بر بررسی کیفیت زندگی به‌صورت مفهومی ذهنی، ممکن است این مفهوم به‌منظور مشاهده آثار تغییرات و سیاست‌گذاری‌ها و اندازه و اهمیت آن به‌طور عینی نیز در نظر گرفته شود. مثلاً، میلز (Miles) نشان می‌دهد که اصطلاح کیفیت زندگی معمولاً یا به‌عنوان برآوردهای ذهنی رضایتمندی و بهزیستی توصیف می‌شود یا به‌عنوان

مجموعه‌ای از ستانده‌های (outputs) اقتصادی و اجتماعی که افراد یا گروه‌ها به‌دست آورده‌اند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۶).

اما نوع سومی از کیفیت زندگی را می‌توان مورد توجه قرار داد که در آن کیفیت زندگی به‌عنوان مفهومی عینی و ذهنی، هر دو، بررسی می‌شود و صرفاً بر ستانده‌های اقتصادی و اجتماعی تمرکز نمی‌یابد، بلکه بر دستاوردهای سیاست‌ها و تأثیری که افراد از آن می‌پذیرند تمرکز می‌کند. مثلاً، در همایش اسکاپ (۱۹۸۸)، رویکردی رفاهی اتخاذ گردیده است که کیفیت زندگی را معادل ریشه‌کنی فقر و بهبود استانداردهای زندگی می‌داند. همچنین در چهارچوب تحلیل سیستمی، کیفیت زندگی رهیافتی است که، بر توانمندی افراد برای ارتقای قابلیت‌هایشان در رفع محدودیت‌ها جهت دستیابی به اهداف سیستماتیک اشاره دارد. در این رویکرد، انسان محور اصلی توسعه قرار می‌گیرد و پرسش درمورد کیفیت زندگی می‌بایست به نیازهای افراد و ارضای آن‌ها توجه داشته باشد. نکته مهمی که مطرح می‌شود این است که افراد بشر متنوع‌اند و خلاقیت‌های فرهنگی و رضایتمندی آن‌ها را هرگز نمی‌توان از اهداف و وسایلی که امکان نظم اجتماعی را فراهم می‌سازد جدا نمود. توجه تام به کیفیت محیط زندگی از اهم موضوعات است، زیرا هم تعیین‌کننده شرایط عینی و هم سبب رضایت ذهنی افراد است. از این رو هر تعریفی از کیفیت زندگی می‌بایست بر سه معیار مبتنی باشد:

۱. مسائل فرهنگی؛

۲. مبانی علمی؛

۳. توجه به بهره‌برداری از محیط‌زیست و بهبود شرایط محیط‌زیست (همان: ۶).

در سال ۱۹۹۴، در دانشگاه تورنتوی کانادا واحد تحقیق پیرامون کیفیت زندگی تأسیس شد و در خصوص ارزیابی کیفیت زندگی با محور «سلامت» فعالیت‌هایی انجام داد. براساس مطالعات این واحد، کیفیت زندگی وضعیتی است که یک فرد از امکانات مهم موجود در زندگیش برخوردار شده است و لذت می‌برد. این امکانات از فرصت‌ها و محدودیت‌های هر فرد در زندگی ناشی و در تعامل عوامل فردی و محیطی منعکس می‌شود. در این دیدگاه، مفاهیمی چون «بودن»، «تعلق داشتن»، و «تحقق یافتن» مطرح می‌شود و چگونگی تحقق این مفاهیم و میزان آن گویای سطح کیفیت زندگی خواهد بود (همان: ۷).

فیلیپس نیز کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی بررسی می‌کند، که این بررسی

در سطح فردی مؤلفه‌های عینی و ذهنی را شامل می‌شود. لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان است و در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در موارد زیر مربوط می‌شود:

۱. افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی؛

۲. رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی؛

۳. مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی (Philips: 2006).

اما سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۳ مؤلفه‌های کیفیت زندگی را به‌صورت زیر تعریف کرده است:

ادراکات فردی از موقعیت شخصی در زندگی، زمینه‌های فرهنگی و سیستم ارزشی در ارتباط با اهداف و انتظارات فرد، و استانداردها (عظیمی، ۱۳۸۹ به نقل از WHOQOL GROUP, 1993).

در تحلیل نهایی، کیفیت زندگی تعادل در تأمین و ارضای نیازهای زیست‌شناختی و انسانی و یکپارچه‌سازی مردم در عرصه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی‌شان تعریف می‌شود که با تعیین قواعد تجربی نیازهای بشر مرتبط است.

۲.۲.۲ دیدگاه‌ها درباره کیفیت زندگی

به‌طور کلی در پژوهش‌ها درباره کیفیت زندگی به دو رویکرد کاملاً مجزا می‌توان اشاره کرد:

۱. دیدگاه اسکاندیناویایی کیفیت زندگی: این رویکرد در اکثر کشورهای اروپایی، به‌ویژه کشورهای اسکاندیناوی، طرفدار دارد و جان درینوسکی (Drenowski) و ریچارد تیتموس (Titmus) آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد، بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مرتبط با آن تأکید شده است و کیفیت زندگی افراد در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است.

۲. دیدگاه امریکایی کیفیت زندگی: در اکثر تحقیقاتی که در کشور امریکا در مورد کیفیت زندگی انجام شده است، محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگیشان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تأکید کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به

روان‌شناس اجتماعی، توماس (W. I. Thomas)، اشاره کرد. در این رویکرد از رضایتمندی و خوشبختی به عنوان معرف‌های اصلی سنجش یاد می‌شود. در کنار این دو رویکرد، رویکرد دیگری نیز وجود دارد که بر دو بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی تأکید می‌کند که می‌توان به روش‌های اجتماعی و اقتصادی در کیفیت زندگی اشاره کرد (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵). با توجه به این دو رویکرد جایگاه کیفیت زندگی را می‌توان به چهار وضعیت تقسیم کرد:

جدول ۲. حالات مختلف کیفیت زندگی نسبت به ترکیب ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی

ارزیابی ذهنی زندگی		شرایط عینی زندگی
بد	خوب	
ناهماهنگی (ثروتمند ناشاد)	بهبودی (ثروتمند شاد)	خوب
محرومیت (فقیر ناشاد)	انطباق (فقیر شاد)	بد

منبع: Philips, 2006: 31

در این تحقیق، از میان دو رویکرد فوق، با توجه به قرابت بیشتر ابعاد ذهنی با مفهوم سرمایه اجتماعی، از دیدگاه امریکایی کیفیت زندگی، یعنی کیفیت ذهنی زندگی، بهره برده‌ایم. از طرف دیگر، این کیفیت ذهنی زندگی ناظر بر زندگی شهری است؛ یعنی ما کیفیت ذهنی زندگی را با تأکید بر عرصه زندگی - شهر - مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. بدین ترتیب، در انتخاب شاخص‌های ارزیابی، ترکیبی از شاخص‌های کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری، با تأکید بر زندگی شهری، مورد نظر پژوهشگران است.

۳.۲.۲ ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، در این جا به ابعاد و شاخص‌های مطرح شده برای سنجش کیفیت زندگی شهری، از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف، خواهیم پرداخت.

لینچ (Lynch) مدلی شامل ۵ محور عملکردی، که از نظر او کلیه محورها اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می‌دهند، به همراه دو فوق معیار کارایی و عدالت، به عنوان شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی، پیشنهاد کرده است:

۱. **سرزندگی:** تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیکی، و توانایی‌های انسان بوده و چگونه بقای همه موجودات را ممکن می‌سازد. این یک معیار انسان‌محور است.

۲. **معنی دار بودن فرم و فضا:** منظور از میزان وضوح و روشنایی درک ذهنی ساکنان از شهر است؛ این که ساکنان تا چه حد آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی.

۳. **تناسب و سازگاری با الگوهای رفتاری:** یعنی این که شکل و ظرفیت فضاها و معابر و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیت‌هایی که مردم از روی عادت به آن اشتغال دارند یا اشتغال پیدا خواهند کرد منطبق است؛ یعنی کیفیت بسترهای رفتاری جهت تطبیق‌پذیری آن‌ها با فعالیت‌های آتی.

۴. **دسترسی:** توانایی دسترسی به افراد، فعالیت‌ها، خدمات، اطلاعات، یا اماکن، شامل کمیت و تنوع عناصری که می‌توان به آن‌ها دسترسی پیدا کرد.

۵. **نظارت و اختیار:** یعنی استفاده و دسترسی به فضاها و فعالیت‌ها و ایجاد، تعمیر، اصلاح، و مدیریت آن تا چه اندازه توسط کسانی که از آن استفاده می‌کنند و یا در آن‌ها زندگی می‌کنند، صورت می‌گیرد.

۶. **کارایی:** به مفهوم هزینه ایجاد و نگهداری شهر در هر سطح مورد نظر از محورهای محیطی فوق، براساس هر چیز با ارزش دیگر.

۷. **عدالت:** به معنی چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد، طبق اصول خاصی نظیر برابری، نیاز، ارزش ذاتی، قدرت پرداخت، تلاش، کمک بالقوه، و یا قدرت. عدالت معیاری است که عایدی بین افراد را متعادل می‌کند (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ابعاد مورد نظر لینچ بیشتر متناظر بر کیفیت محیط شهری است تا کیفیت زندگی افراد ساکن در شهر.

ماسلو، براساس نیازهای انسانی، معیارهایی را برای یک شهر با کیفیت خوب ارائه می‌دهد، که شامل شش معیار کلی و چندین زیرمعیار است. این معیارها و زیرمعیارها را که در نمودار زیر به نمایش درآمده، می‌توان به‌عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی شهری نیز در نظر گرفت.



نمودار ۳. معیارها و زیرمعیارهای کیفیت محیط از نظر ماسلو

منبع: براند فری ۱۳۸۳: ۵۲، ۵۳

در سال ۱۹۷۵ تئوری ای به نام «تئوری رضایت شهروندان» ارائه شد. این تئوری مدلی تحلیلی است که براساس میزان رضایت شهروندان از محیط مسکونی شان درمورد مؤلفه های مختلف فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی، زیبایی شناسی، و ... عمل می کند. برای دست یافتن به معیارهای کیفیت محیط شهر و محلات آن، که مورد نظر شهروندان باشد، محققان روی ۷۶۷ خانوار در اهلیو مطالعه کردند. آن ها خصوصیات خانوارها، محل سکونت، محله ای که در آن زندگی می کردند، و تأثیرات این عوامل بر رضایت این خانوارها را بررسی کردند. هدف این تحقیق دستیابی به مدلی از رضایت شهروندان بود که برای برنامه ریزان مسکن و سیاست گذاران قابل استفاده باشد. این مدل بر مبنای تطابق خواسته ها و نیازهای شهروندان با موقعیت فعلی و احساس آن ها از محل سکونتشان عمل می کند. عمده مؤلفه هایی که خانوارهای منتخب به عنوان معیارهای کیفیت محیط ارائه دادند شامل

عوامل بهداشت محیط، امنیت، برخورداری از تسهیلات شهری خوب، تعاملات اجتماعی خوب، پرهیز از انواع آلودگی‌ها، ترافیک کم، و ... بوده است (اورنگ، ۱۳۸۵: ۳۰). در تحقیق دیگری که در استانبول انجام گرفته، جهت مطالعه کیفیت زندگی کیفیت ارتباطات و حمل و نقل، کیفیت محیط اقتصادی، کیفیت محیط اجتماعی، و کیفیت محیط کالبدی مورد مطالعه قرار گرفته است (کوکبی، ۱۳۸۴: ۳۰).

جدول ۳. ساختار سلسله‌مراتبی مدل کیفیت زندگی در شهر استانبول

کیفیت زندگی شهری			
کیفیت ارتباطات و حمل و نقل	کیفیت محیط اقتصادی	کیفیت محیط اجتماعی	کیفیت محیط کالبدی
وسایل ارتباطات	هزینه زندگی	گستره خدمات آموزشی	چیدمان ساختمان‌ها
وسایل حمل و نقل عمومی	فرصت پیدا کردن	قیمت خدمات آموزشی	نوع مسکن
جریان ترافیک	شغل رضایت‌بخش	گستره خدمات بهداشتی	فضای سبز
	هزینه تطبیق	قیمت خدمات بهداشتی	فضاهای تفریحی
		فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی	خدمات شهرداری و زیرساخت‌ها
		ایمن و امنیت	

منبع: کوکبی، ۱۳۸۴: ۳۱

در این تحقیق، ما براساس مطالعات انجام شده و ترکیب منطقی رویکردهای مختلف، و با در نظر گرفتن بعد ذهنی کیفیت زندگی، شش عامل اصلی را برای ارزیابی کیفیت ذهنی زندگی شهری در شهر پردیس در نظر گرفته‌ایم که عبارت‌اند از:

۱. **کیفیت دسترسی به خدمات:** که در آن به بررسی رضایت ساکنان از نحوه دسترسی به خدمات مختلف در محیط زندگی‌شان می‌پردازیم؛ از قبیل خدمات ورزشی، تفریحی، درمانی، آموزشی، پلیس، خدمات مربوط به تهیه مایحتاج روزانه، و مانند این‌ها.
۲. **کیفیت مسکن:** که در آن رضایت افراد را از شرایط فیزیکی و همین‌طور هزینه‌های مربوط به خانه و محل زندگی‌شان بررسی می‌کنیم.
۳. **ارزش‌های محیط شهری:** در این عامل به بررسی میزان رضایت شهروندان از محیط‌های شهری پردیس از نظر زیبایی، سرزندگی، آرامش، و ... خواهیم پرداخت.

۴. **امنیت اقتصادی:** هدف از ارائه این شاخص، بررسی میزان احساس امنیت ساکنان از شرایط درآمدی و اشتغال در سطح شهر است.
۵. **کیفیت محیط اجتماعی:** در این عامل، هدف اصلی سنجش میزان رضایت ساکنان از روابط اجتماعی شان در سطح شهر و همچنین میزان مشارکت آن‌ها در امور مختلف است.
۶. **ارزش‌های ترکیبی:** این عامل شامل سؤالاتی از قبیل میزان احساس تعلق به شهر، میزان احساس امنیت، میزان احساس سلامتی از بعد جسمی و روانی، امید به آینده، و ... است که به نوعی به میزان رضایت افراد از ابعاد مختلف کالبدی، اقتصادی، و اجتماعی شهر ارتباط دارد. در نتیجه، این عامل را ارزش‌های ترکیبی نام نهاده‌ایم.

۳.۲ بررسی نظری ارتباط مفهوم‌های سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی

در این قسمت به بررسی آثار و آرای صاحب‌نظران مختلف در ارتباط با دو مفهوم سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی خواهیم پرداخت.

در سال ۱۹۶۱، جین جیکوبز، در اثری با عنوان *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*، مفهوم سرمایه اجتماعی را در معنی شبکه‌های اجتماعی، که می‌توانند نقش کنترل اجتماعی ایفا کنند، به کار برد. به نظر او، شبکه‌های فشرده، در قلمروهای قدیمی مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در ارتباط با نظافت و بهداشت محیط، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی، و دیگر تصمیمات مرتبط با بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با مسئولان نهادی و رسمی نظافت و امور امنیتی و انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰۰). بنابراین جیکوبز به منابع محلی برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی مردم توجه و رابطه این دو مفهوم را این‌گونه تبیین می‌کند.

از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از ارتباطات افقی و وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها، و شبکه‌ها اطلاق می‌شود که، با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل، کارآیی جامعه، و در نتیجه کیفیت زندگی را افزایش می‌دهند. پاتنام مطالعات تجربی زیادی را بررسی کرده است که پیوند مثبتی را بین سرمایه اجتماعی و دموکراتیک‌بودن دولت، موفقیت تحصیلی، جرم، رفاه کودکان، شادکامی، و سلامت جسمانی و روانی گزارش کرده‌اند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۸۱).

بورديو جایگاه فرد و گروه یا نهاد را در فضای اجتماعی وابسته به میزان برخورداري از چهار شکل سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نهادين می‌داند. در نگاه بورديو این چهار نوع سرمایه قابل تبدیل به هم هستند؛ به این دلیل، افراد و گروه‌ها پیوسته در تلاش‌اند تا، به وسیله راهبردهای بازتبدیل، یک نوع از سرمایه را به انواع دیگر تبدیل کنند و از این طریق جایگاه خود را در فضای اجتماعی حفظ کنند یا بهبود بخشند (همان: ۸۴). تعامل و پیوستگی متقابل بین کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که کیفیت زندگی پایین فرایند تبدیل و بازتولید اشکال چهارگانه سرمایه مورد نظر بورديو را با مشکل مواجه می‌سازد، زیرا فقدان هر کدام از اشکال سرمایه، به خصوص سرمایه اجتماعی که نمود و نمایی آن را در حوزه و میدان روابط اجتماعی باید دید، فرایند مزبور را به لحاظ بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در روابط اجتماعی محدود می‌سازد و برخورداري و بهره‌گیری از شاخص‌های رفاهی مربوط به کیفیت زندگی را در مقیاس‌های عینی و ذهنی دچار نقصان می‌نماید.

نول بر این باور است که مبارزه با کنار گذاشته شدن و توانمندسازی افراد مهم‌ترین عامل در ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی از طریق تقویت همبستگی اجتماعی است. از این رو، سیاست‌های اجتماعی می‌بایست با تکیه بر نقش ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری به ایجاد نهادهای جدید یا اصلاح ساختارهای موجود، به منظور بنیان‌نهادن نوعی هم‌رأیی اجتماعی، اقدام نمایند (Noll, 2002).

کیفیت زندگی سازه‌ای است که، جدا از ابعاد مادی، ابعاد فرامادی را نیز شامل می‌شود. یکی از این ابعاد نشاط در مقیاس فردی و اجتماعی است. در مجموع، گسترش و تسهیل شبکه ارتباطات و پیوندهای اجتماعی سطح دسترسی افراد و گروه‌ها را به منابع اجتماعی و اقتصادی ارتقا می‌دهد. این پیوندها و ارتباطات در اشکال متفاوت خود، یعنی به صورت درون‌گروهی و برون‌گروهی، به مثابه نوعی چسب باعث می‌شود که عناصر موجود در جامعه به هم اتصال یابند و کنش‌های جمعی از قبیل تعاون، حمایت‌های اجتماعی، و ... تسهیل گردد. وجود کنش‌های جمعی و حل مسئله به صورت گروهی باعث استفاده بهتر از منابع اجتماعی، تقلیل هزینه‌ها، و افزایش کارآیی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، و عمرانی در سطح جامعه می‌گردد. پس می‌توان ادعا کرد که کیفیت زندگی، در ابعاد مختلف خود، تحت تأثیر کیفیت ارتباطات و پیوندهای اجتماعی است.

به‌طور کلی، با توجه به آنچه تا به حال گفته شد، می‌توان تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. از طریق تسهیل کنش‌های فردی و جمعی برای بهبود شرایط عینی زندگی، مثل نظافت عمومی شهر، بهبود شرایط شغلی، بهبود شرایط اقتصادی، امنیت، و ...؛
۲. از طریق تأثیر بر بهداشت عمومی و سلامت جسمی (پژوهش‌ها نشان می‌دهد رابطه بسیار نزدیکی بین بیماری و انزوای اجتماعی وجود دارد)؛
۳. از طریق بهبود بهداشت روانی و شرایط روحی و فردی (پژوهش‌ها نشان داده سرمایه اجتماعی بالاتر شرایط روحی - روانی بهتری را به دنبال دارد)؛
۴. از طریق تأثیر بر احساس فرد نسبت به خود؛
۵. از طریق ایجاد شرایط اجتماع‌پذیری برای فرد، که خود از شاخص‌های کیفیت زندگی است.

۳. ارزیابی سرمایه اجتماعی و کیفیت ذهنی شهری در شهر پردیس

۱.۳ معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر جدید پردیس از شهرهای جدید اطراف کلان‌شهر تهران است. این شهر در کیلومتر ۳۰ جاده تهران - آمل و در محدوده شرق تهران قرار دارد. هدف اصلی ایجاد این شهر، که طرح آن در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید، جذب سرریز جمعیت کلان‌شهر تهران و تمرکززدایی از آن بوده است. سقف جمعیت شهر در افق سال ۱۴۰۰ برابر ۴۰۰ هزار نفر تعیین شده است و تاکنون جمعیتی معادل ۵۰ هزار نفر در آن سکنا دارند.

۲.۳ فرایند سنجش سرمایه اجتماعی و کیفیت ذهنی زندگی شهری در شهر جدید پردیس

در این پژوهش، با تغییرات اندکی در سنجه‌های هر یک از شاخص‌های پیوند همسایگی، مشارکت مدنی، شبکه اجتماعی، و اعتماد، به سبب شرایط شهر، به بررسی میزان سرمایه اجتماعی در سطح محلات شهر پردیس پرداخته‌ایم. همچنین با تعریف سنجه‌هایی برای هر یک از عوامل کیفیت ذهنی زندگی شهری این مفهوم را در سطح شهر بررسی کرده‌ایم. میزان روایی پرسش‌نامه تهیه شده به تأیید دو نفر از متخصصان حوزه مطالعات اجتماعی و دو نفر از اساتید حوزه شهرسازی رسیده و همچنین میزان پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ بررسی شده است. مقدار این ضریب برای این پرسش‌نامه برابر ۰/۹۲۸ بوده و با توجه به حد قابل قبول - برابر ۰/۷ - می‌توان گفت پرسش‌نامه از پایایی قابل قبولی

برخوردار است. این پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت ۱ تا ۵ تنظیم گردیده و در نتیجه می‌توان انتظار داشت میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت ذهنی زندگی شهری نهایی نیز عددی بین ۱ تا ۵ باشد. با توجه به استفاده از روش‌های علمی و همچنین روش نمونه‌گیری مناسب و تصادفی در سطح شهر، می‌توان این نتایج را به کل شهر پردیس تعمیم داد. برای این پژوهش، براساس جدول مورگان، حجم نمونه ۳۸۱ نفر تعیین گردید که در نهایت پس از پخش ۶۰۰ پرسش‌نامه در دو مرحله، در فازهای ۱ و ۲، که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، نتایج ۳۶۹ پرسش‌نامه قابل استفاده تشخیص داده شد و وارد نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS گردید.

نتیجه کلی بررسی سرمایه اجتماعی در شهر پردیس در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. میانگین امتیاز شاخص‌های سرمایه اجتماعی

شاخص‌ها	میانگین هر شاخص
شبکه اجتماعی	۱/۹۳
مشارکت مدنی	۲/۷۱
پیوند همسایگی	۱/۹۲
اعتماد	۲/۵۶
میانگین مؤلفه سرمایه اجتماعی = ۲/۲۸	

همان‌طور که از جدول مشخص است، تمامی شاخص‌های چهارگانه سرمایه اجتماعی در شهر پردیس از مقدار متوسط، عدد ۳، پایین‌تر بوده و در نتیجه میزان سرمایه اجتماعی، به صورت کلی، در شهر پردیس نیز با نتیجه ۲/۲۸ از حد میانگین پایین‌تر است. بدین ترتیب، می‌توان اظهار داشت سرمایه اجتماعی در شهر جدید پردیس وضعیت مناسبی ندارد.

در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی نیز باید گفت پیوند همسایگی و شبکه اجتماعی، به ترتیب با میانگین ۱/۹۲ و ۱/۹۳، بدترین شرایط را دارند و مقدار آن حتی از عدد ۲، که نشان‌دهنده سطح پایین در طیف لیکرت است، نیز کمتر است.

در جدول ۵ نتایج بررسی کیفیت ذهنی زندگی شهری در شهر جدید پردیس بیان شده است.

جدول ۵. میانگین امتیاز شاخص‌های کیفیت ذهنی زندگی در شهر پردیس

عوامل کیفیت زندگی	میانگین هر عامل
کیفیت دسترسی به خدمات	۲/۵۲
ارزش‌های محیط شهری	۲/۷۶
ارزش‌های ترکیبی	۳/۰۸
امنیت اقتصادی	۲/۷۱
کیفیت محیط اجتماعی	۲/۵۶
کیفیت مسکن	۲/۵۸
میانگین مؤلفه کیفیت ذهنی زندگی شهری = ۲/۷۰	

همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است، تمامی عوامل کیفیت ذهنی زندگی، به غیر از عامل ارزش‌های ترکیبی، از حد متوسط پایین‌ترند. عامل ارزش‌های ترکیبی، با امتیاز ۳/۰۸ براساس طیف لیکرت، در سطح متوسط ارزیابی می‌گردد. همچنین میانگین کلی عوامل، که در واقع نشان‌دهنده میزان متوسط کیفیت ذهنی زندگی در سطح شهر است، با امتیاز ۲/۷۰ براساس طیف لیکرت بین سطح پایین و متوسط قرار دارد و در کل می‌توان گفت وضعیت مناسبی ندارد.

۳.۳ ارزیابی فرضیه تحقیق

جهت بررسی فرضیه تحقیق، که در مقدمه بیان شد، از روش آماری ضریب همبستگی استفاده خواهیم کرد. در این تحقیق، با توجه به نوع داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، ضریب همبستگی پیرسون مناسب‌ترین روش برای ارزیابی همبستگی بین سرمایه اجتماعی و کیفیت ذهنی زندگی شهری شهروندان است. بر این اساس، ضریب همبستگی بین این دو مفهوم در این تحقیق برابر ۰/۶۳۲ بوده است. با توجه به نوع تحقیق، که در زمره تحقیقات اجتماعی قرار دارد و این‌که در این نوع تحقیقات همبستگی بالای ۰/۵ سطح قابل قبول محسوب می‌گردد، می‌توان گفت بین این دو مفهوم همبستگی معنادار و مثبتی وجود داشته است و در نتیجه فرض تحقیق اثبات می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی، با نگرش سرمایه‌محور و کمی به روابط و زنجیره‌های ارتباطی افراد درون جامعه، این ارتباطات را به صورت یک دارایی برای افراد درآورده و مورد تحلیل قرار می‌دهد. در پژوهش‌های مختلف تأثیر سرمایه اجتماعی بر مفاهیمی چون سلامت روان، سلامت جسمانی، رضایت شغلی، و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی بشر به اثبات رسیده است. در حوزه مسائل شهری نیز بررسی تأثیر مثبت این مفهوم بر کیفیت زندگی شهری می‌تواند زمینه‌ساز ورود این مفهوم به حوزه برنامه‌ریزی شهری و در نتیجه کاربردی شدن توجه به مسائل اجتماعی در طرح‌های شهری شود؛ بدین‌منظور در این تحقیق به بررسی رابطه این دو مفهوم، از طریق بررسی میزان همبستگی آن‌ها، در شهر جدید پردیس پرداخته شد.

برای سنجش سرمایه اجتماعی در این تحقیق از چهار شاخص شبکه اجتماعی، مشارکت مدنی، پیوندهای همسایگی، و اعتماد بهره بردیم. همچنین جهت سنجش مفهوم کیفیت زندگی - البته از بعد ذهنی آن - نیز شش عامل در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: کیفیت دسترسی به خدمات، کیفیت مسکن، ارزش‌های محیط شهری، امنیت اقتصادی، کیفیت محیط اجتماعی، و ارزش‌های ترکیبی. نتایج این پژوهش در شهر جدید پردیس حاکی از پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی و همچنین کیفیت ذهنی زندگی شهروندان است. همچنین ضریب همبستگی این دو مفهوم، براساس نمونه‌گیری انجام‌شده، برابر $0/632$ می‌باشد که نشان‌دهنده ارتباط معنادار و مثبت بین این دو مفهوم در سطح شهر است.

بر این اساس می‌توان گفت توجه به مسائل و ارتباطات اجتماعی ساکنان و برنامه‌ریزی جهت ارتقای میزان و کیفیت شبکه‌های ارتباطی بین افراد و گروه‌های مختلف با هم می‌تواند بر ارتقای سطح رضایت شهروندان از زندگی‌شان، که یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌های شهری است، مؤثر باشد.

پی‌نوشت

۱. جین جیکوبز مفهوم سرمایه اجتماعی را در اثر معروف خود تحت عنوان *زندگی و مرگ شهرهای بزرگ/امریکایی* (۱۹۶۱) و در ارتباط با حفظ نظافت و برخورد با جرم و جنایت خیابانی در محدوده‌های حومه و قدیمی شهری مطرح کرد.

۲. براساس این طیف، بیشترین رضایت یا بیشترین حد قضاوت در مورد هر سؤالی با عدد ۵ و کمترین آن با عدد ۱ مشخص می‌گردد و قضاوت‌های بین این دو حد با یکی از اعداد ۲ تا ۴ بیان می‌شود. در نتیجه عدد ۳ را می‌توان قضاوتی متوسط در مورد یک سؤال محسوب نمود.

منابع

- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، تهران: مهدی اختر محقق.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- اورنگ، ملاحظ (۱۳۸۶). «سنجش کیفیت محیط در بازسازی‌های پس از سانحه، مطالعه موردی: فضاهای عمومی شهر بم»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.
- براند فری، هیلدر (۱۳۸۳). طراحی شهری به سوی یک شکل پایدار شهری، ترجمه حسین بحرینی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). سنجش سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- خزاعی، منصور و هادی برغمندی (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی در محلات حاشیه‌نشین»، در مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت فرهنگی اجتماعی شهر تهران، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- عظیمی، آزاده (۱۳۸۹). «ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری»، شوراها، ش ۵۵.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۸). کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، تهران: شیرازه.
- غیاثوند، الهام (۱۳۸۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری»، فصلنامه مهندسان مشاور، ش ۴۵، پاییز.
- فتحی‌نیا، محمد و رقیه حاج محمدیاری (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی، عوامل ایجاد و نتایج تحقق آن»، در مجموعه مقالات همایش بررسی وضعیت فرهنگی اجتماعی شهر تهران، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامحسین توسلی، تهران: جان افروز.
- کوبی، افشین (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی به منظور ارتقای زندگی شهری در مرکز شهر، مورد مطالعه: پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.
- ماجدی، سیدمسعود و عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس»، فصلنامه روستا و توسعه، س ۹، ش ۴.
- مختاری، مرضیه و جواد نظری (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران: جامعه‌شناسان.

موسوی، سیداحمد (۱۳۸۵). «برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی، مطالعه موردی: کوی طلاب شهر مشهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس.

Baldwin, S., C. Godfrey, & C. Propper (1994). *Quality of life: Perspectives and Policies*, New York: Rutledge.

Diwan, R. (2000). "Relational Wealth and Quality of Life", *Journal of Socio-Economics*, Vol. 29.

Field, John (2003). *Social capital*, London: Rutledge.

Kay, A. (2005). *Social Capital, The Social Economy and Community Development*, Oxford University Press and Community, Development Journal, Advance Access.

Liu, B. (1976). *Quality of life indicators in U.S metropolitan areas: A statistical analysis*, New York: Rutledge.

Noll, H. (2002). "Towards a European System of Social Indicators: Theoretical Framework and system architecture", *Social Indicator Research*, Vol. 58.

Phillips, D. (2006). *Quality of Life; Concept, Policy and Practice*, London: Rutledge.

[Http://www.worldbank.org/](http://www.worldbank.org/) (Official website of the World Bank).